

۱۰۰ سال سینما ۱۰۰ فیلمنامه



نشرنی

www.ketabkhooni.com

اری اگاخوردان، گیلرمو، ۱۹۵۸ - م

Arriaga Jordan, Guillermo

بیست و یک گرم / گیلرمو آریاگا: کارگردان الخاندرو
گونزالس ایناریتو؛ ترجمه مهدی مصطفوی. - تهران: نشر نی، ۱۳۸۴.
۲۰۷ ص. - (۱۰۰ سال سینما؛ ۱۰۰ فیلمنامه؛ ۲۷)

ISBN 964-312-766-4

21 Grams.

عنوان اصلی:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. فیلمنامه‌ها. الف گونزالس ایناریتو، الخاندرو،
Alejandro Gonzales, Inarito پ. مصطفوی مهدی،

مترجم. ج. عنوان.

۷۹۱ / ۲۳۷۲ پ ۸۸۳

PN ۱۹۹۷ / ۸۸۳

۱۳۸۴

۸۳-۳۷۸۱۲

کتابخانه ملی ایران



نشر نی

نشانی: تهران، خیابان فاطمی، خیابان رهی معیری، شماره ۵۸،
صندوق پستی ۵۵۶ - ۱۳۱۴۵، نشر نی، تلفن ۵۹ و ۸۰۰۴۶۵۸
دفتر فروش: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده،
شماره ۵۱۲، تلفن ۶۴۹۸۲۹۳، فکس ۶۴۹۸۲۹۴
کتابفروشی: خیابان کریم خان، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۹، تلفن ۸۹۰۱۵۶۱

www.nashreny.com

Guillermo Arriaga

گیلرمو آریاگا

Alejandro Gonzalez Inarito

الخاندرو گونزالس ایناریتو

21 Grams

بیست و یک گرم

ترجمه مهدی مصطفوی

• چاپ اول ۱۳۸۴ تهران • تعداد ۲۲۰۰ نسخه • لیتوگرافی غزال • چاپ غزال

ISBN 964-312-766-4

شابک ۹۶۴-۳۱۲-۷۶۶-۴

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

درباره این مجموعه

خیلی‌ها اعتقاد دارند که «فیلمنامه» یک اثر مستقل نیست، بلکه صرفاً ماده خامی است برای به تصویر کشیده شدن توسط کارگردان. بی شک اغلب فیلمنامه‌ها با چنین تعریفی سازگارند. ولی فیلمنامه‌هایی هم هست که با آثار ادبی ناب برابری می‌کنند؛ می‌شود آن‌ها را بارها خواند و از خواندنشان لذت برد. قصد ما در این مجموعه، در کنار اهداف آموزشی، تلاش برای انتشار متن‌هایی با اصالت و ظرافت ادبی است؛ آثاری که بتوانند هویتی مستقل از فیلم‌ها داشته باشند. در هر مجلد، همراه با فیلمنامه، زندگی‌نامه نویسنده و کارگردان فیلم و چند نقد نیز قرار دارد تا مجموعه‌ای خواندنی و خودکفا فراهم شود. در ضمن علامت [...] نشانه بخش‌هایی است که به ضرورت‌های اخلاقی از متن فارسی حذف شده است. در مواردی که بیش از یک جمله حذف شده حتماً در پانویس به تعداد جمله‌ها اشاره کرده‌ایم.

مقدمه

و تکه تکه شدن راز آن وجود متحدی بود...

بیست و یک گرم، فیلم تازه‌الخاندرو ایناریتو، کارگردان مستعد مکزیکی، همان قدر درخشان است که فیلم تحسین شده پیشین‌اش، عشق سگی. شاید کم‌تر کسی باور می‌کرد که ایناریتو بتواند از آزمونِ مخاطره‌آمیز فیلمسازی در آمریکا جان سالم به‌در برد. برخلاف عشق سگی که با بازیگران مکزیکی ساخته شده بود. بیست و یک گرم با بودجه‌ای به مراتب بیش‌تر، ولی معمولی با معیارهای آمریکایی، با بازیگران مشهور انگلیسی‌زبان در آمریکا ساخته شده. با این حال ایناریتو نه فقط همکار فیلمنامه‌نویس‌اش، گی‌رمو آریاگا را در کنار خود داشت. بلکه فیلمبردار و آهنگساز فیلم قبلی‌اش هم در این کار جدید حضور داشته‌اند. نتیجه این‌که بیست و یک گرم ابداً از عشق سگی محافظه‌کارتر و تجاری‌تر نیست (مثلاً نظیر دسپرادوی روبرتو رودریگز که در قیاس با نسخه مکزیکی‌اش، ال ماریاچی، به مراتب سطحی‌تر و محافظه‌کارتر بود)، بلکه حتی جاه‌طلبی‌اش نسبت به تجربه پیشین‌شان بیش‌تر هم شده.

بیست و یک گرم فیلم هیجان‌انگیزی است؛ البته فقط برای تماشاگری که با صبر و حوصله فیلم تماشا می‌کند، و البته نباید هنگام دیدن فیلم سرت را بچرخانی، چون ممکن است بخشی کلیدی از اطلاعات داستانی را از دست بدهی. اگر نیم‌ساعت پس از آغاز فیلم کسی از من می‌پرسید نظرت راجع به

آن چیست؟ پاسخ این بود: کارگردانی اش فوق العاده است، ولی باور نمی کنم بتواند این فیلمنامه آشفته را سروسامان بدهد. ولی در پایان نه فقط فیلمنامه به شکلی معجزه وار سروسامان گرفت، بلکه می توانم بگویم بیست و یک گرم به جرأت از بهترین فیلم های دو دهه اخیر سینمای جهان، و شاید یک «اتفاق» در مقیاس تاریخ سینماست!

فیلمنامه بیست و یک گرم فیلمنامه جاه طلبانه ای است؛ شاید حتی جاه طلبانه تر از عشق سگی. در فیلم قبلی سه روایت داستانی حول یک اتفاق مشترک چیده می شد. ایده اصلی، «همزمانی» بود. اپیزودها از هم جدا ولی (دورادور) به هم مربوط بودند و کم و بیش هر کدام به شکل یکپارچه تجسم می یافتند، حتی نوشته هایی می آمد که ظاهراً اپیزودها را از هم جدا می کرد هرچند نباید زیاد آن ها را جدی می گرفتی (مثل با او حرف بزن). زمان هر بار، در آغاز هر اپیزود، برمی گشت عقب و روایت بعدی را یک سره پی می گرفت تا به آن اتفاق مشترک (تصادف اتوموبیل) برسد. گرچه میانه هر اپیزود فرصتی پیش می آمد تا بخش هایی نادیده از روایت های دیگر (قبل یا بعد از بخش دیده شده) را شاهد باشیم. در بیست و یک گرم ایده اصلی «به هم ریختگی زمانی» است. سه روایت کاملاً مربوط به هم، تکه پاره شده و تکه های مختلف، همچون تکه های یک پازل به ما عرضه می شود؛ و وظیفه ما جفت و جور کردن این پازل سینمایی است. می دانم دارید در ذهن دنبال روایت های پازل واری در خاطرات سینمایی تان می گردید؛ مثلاً برش های کوتاه (رابرت آلتن)، ساعت ها (استیون دالدری) یا تردیان جیکوب (آدریان لین)، یا حتی به شکلی ملایم تر، با او حرف بزن (پدرو آلمودوار). اما هیچ کدام از این فیلم ها از این نظر رادیکال نیستند. لااقل در قیاس با بیست و یک گرم. پیش از دیدن فیلم غیرممکن است تصویری از اندازه قطعه های خرد شده روایت و حد به هم ریختگی آن به ذهن تان خطور کند. بیست و یک گرم از این نظر تجربه ای کم نظیر است.

فهرست مطالب

۱۱	فیلمنامه
۱۴۵	مرگ با بند کفش های قرمز
۱۵۳	خود را با مرگ سرگرم می کنیم
۱۶۱	گفت و گو با گی یرمو آریاگا
۱۸۳	گفت و گو با الخاندرو گونزالس ایناریتو
۲۰۵	گی یرمو آریاگا از زبان خودش